

سورة مؤمنون، آیات ۹۶ تا ۱۱۱

بدی را به شیوه‌ای نیکو دفع کن. ما به آنچه وصف می‌کنند داننا تریم. ۹۶
و بگو پروردگارم! از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌برم. ۹۷
و پروردگارم! از اینکه [آنها] به پیش من حاضر شوند به تو پناه می‌برم. ۹۸
تا آنگاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد می‌گوید پروردگارم! مرا بازگردانید. ۹۹
شاید من در آنچه وانهادهام کار نیکی انجام دهم. [به او گفته می‌شود] هرگز.
این سخنی است که او [به زبان] می‌گوید و به دنبال [این زندگی] آنان برزخی است تا
روزی که برانگیخته شوند. ۱۰۰
پس آنگاه که در صور دمیده شود [دیگر] میانشان نسبت خویشاوندی وجود ندارد و
از [حال] یکدیگر نمی‌پرسند. ۱۰۱
پس کسانی که کفه میزان [اعمال] شان سنگین باشد آنان رستگارانند. ۱۰۲
و کسانی که کفه میزان [اعمال] شان سبک باشد اینان کسانی هستند که [سرمايه‌های]
خود را از دست داده [و] همیشه در جهنم می‌مانند. ۱۰۳
آتش، چهره آنها را می‌سوزاند و آنان در آنجا ترش‌روینند. ۱۰۴
آیا آیات من بر شما خوانده نمی‌شد و شما آن را تکذیب می‌کردید؟ ۱۰۵
می‌گویند: پروردگارا شقاوت بر ما چیره شد. زیرا، گروهی گمراه بودیم. ۱۰۶
پروردگارا! ما را از اینجا بیرون ببر و اگر باز هم بدی کردیم، در آن صورت ستمکار
خواهیم بود. ۱۰۷
خدا می‌فرماید: بروید در آن گم شوید و با من سخن نگوئید. ۱۰۸
در حقیقت دسته‌ای از بندگان من می‌گفتند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم. ما را
بخش و به ما رحم کن که تو مهربان‌ترینی. ۱۰۹
و شما آن مؤمنان را به ریشخند گرفتید تا با این کار یاد مرا از خاطرتان بردید و شما بر
آنان می‌خندیدید. ۱۱۰
من هم امروز به پاس آنکه آنان صبر کردند، به آنان پاداش دادم. آری آنان همان
رستگارانند. ۱۱۱

منزلگاه بعد

زمانی که مجاهدی در راه خدا به شهادت می‌رسد یا مادری پس از تربیت فرزندان شایسته، چشم از دنیا فرو می‌بندد یا پدری پس از سال‌ها تلاش و کوشش در بستر بیماری جان می‌سپرد و به طور کلی وقتی انسان‌ها می‌میرند، چه اتفاقی برایشان می‌افتد؟ آیا ارتباطشان کاملاً با دنیا قطع می‌شود؟ آیا به صورت مستقیم وارد جهان آخرت می‌شوند؟ یا آنکه مرحله‌ای دیگر را پیش رو خواهند داشت؟ اگر چنین است، آن مرحله چه نام دارد؟ چه ویژگی‌هایی دارد؟ و چه رابطه‌ای میان دنیا و آن مرحله وجود دارد؟

عالم برزخ

قرآن کریم از وجود عالمی پس از مرگ، به نام «برزخ» خبر می‌دهد. برزخ در لغت به معنای فاصله و حایل میان دو چیز است. عالم برزخ میان زندگی دنیایی و حیات اُخروی قرار گرفته است و آدمیان، پس از مرگ وارد آن می‌شوند و تا قیامت در آنجا می‌مانند و در صورتی که نیکوکار باشند، از لذت‌های آن برخوردار و اگر بدکار و شقی باشند، از رنج‌ها و دردهای آن متألّم می‌گردند.

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ
قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ
لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا
فِيمَا تَرَكْتُ
كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا
وَمِنْ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ
إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ

آنگاه که مرگ یکی از آنها فرا رسد
می‌گوید: پروردگارا! مرا بازگردانید
باشد که عمل صالح انجام دهم؛
آنچه را در گذشته ترک کرده‌ام
هرگز! این سخنی است که او می‌گوید
و پیش‌روی آنها برزخ و فاصله‌ای است
تا روزی که برانگیخته می‌شوند.

مؤمنون، ۹۹ و ۱۰۰

■ ویژگی‌های عالم برزخ

۱- وجود حیات

پس از مرگ، گرچه فعالیت‌های حیاتی بدن متوقف می‌شود اما فرشتگان، حقیقت وجود انسان را که همان روح اوست، «توفّی» می‌کنند^۱. یعنی آن را به‌طور تمام و کمال دریافت می‌نمایند. بنابراین، گرچه بدن حیات خود را از دست می‌دهد اما روح، همچنان به حیات و فعالیتش ادامه می‌دهد.

۲- وجود شعور و آگاهی

با توجه به اینکه عامل شعور و آگاهی انسان در دنیا روح وی است و روح در برزخ، به حیات خود ادامه می‌دهد، یکی از ویژگی‌های برزخ، وجود شعور و آگاهی در آن خواهد بود. برخی از نشانه‌های شعور و آگاهی انسان در عالم برزخ عبارت است از:

۱- سورة نساء، ۹۷؛ سورة انعام، ۶۱

الف) گفت و گوی فرشتگان با انسان : به عنوان نمونه در سوره نساء آمده است که، فرشتگان به ظالمان خطاب کرده و از احوال آنها می پرسند و در مقابل، آنها پاسخ داده و خود را از مستضعفین بر روی زمین معرفی می کنند^۱. این مکالمه و طرف خطاب قرار دادن، دلیلی بر وجود شعور و آگاهی در برزخ است.

ب) سخن گفتن پیامبر ﷺ با کشته شدگان جنگ بدر : در جنگ بدر، وقتی بزرگان لشکر کفار کشته شدند و سپاه اسلام پیروز شد، رسول خدا ﷺ آن کشتگان را این گونه مورد خطاب قرار داد : «آنچه پروردگارمان به ما وعده داده بود، حق یافتیم؛ آیا شما نیز آنچه پروردگارتان وعده داده بود، حق یافتید؟».

اصحاب گفتند : «ای رسول خدا ﷺ چگونه با آنها سخن می گویی در حالی که مرده اند؟!». حضرت فرمود : «قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان به این کلام از شما شنوا ترند و فقط نمی توانند پاسخ دهند»^۲.

۳- وجود ارتباط میان عالم برزخ و دنیا : با مرگ انسان و ورود وی به عالم برزخ، ارتباط او با دنیا به طور کامل قطع نمی شود. برخی از نشانه های تداوم این ارتباط عبارت است از :
الف) بسته نشدن پرونده اعمال : پرونده برخی اعمال انسان با مرگ بسته نمی شود و امکان دارد بر اعمال نیک و بد آن افزوده و یا از آنها کاسته شود.

يُنَبَّؤُا الْاِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ
بِمَا قَدَّمْ وَاٰخَرُ
در آن روز به انسان خبر داده می شود
به آنچه پیش [از مرگ] فرستاده و آنچه پس [از
مرگ] فرستاده است.

قیامت، ۱۳

همان گونه که قرآن کریم می فرماید، دامنۀ برخی از اعمال، محدود به دوران زندگی انسان است و با مرگ، پروندۀ این اعمال بسته می شود (آثار ماتقدم)؛ اعمالی مانند نماز و روزه؛ اما پرونده بسیاری از اعمال حتی بعد از حیات ما نیز باز می ماند (آثار ما تأخر)؛ به عنوان مثال اگر کسی کتابی را به کسی یا کتابخانه ای هدیه دهد، یا مطلب مفیدی را به دیگران آموزش دهد، تا وقتی که آن کتاب توسط دیگران خوانده می شود و آموزش های وی به دیگران منتقل می شود یا از آن استفاده می شود، در پرونده عمل او

۱- کسانی که فرشتگان (قبض ارواح)، روح آنها را گرفتند در حالی که به خویشتن ستم کرده بودند، به آنها گفتند : «شما در چه حالی بودید؟» گفتند : «ما در سرزمین خود، تحت فشار و مستضعف بودیم». فرشتگان گفتند : «مگر سرزمین خدا پهناور نبود که مهاجرت کنید؟» آنها جایگاهشان دوزخ است و سرانجام بدی دارند. سوره نساء، ۹۷

۲- محجة البیضاء، فیض کاشانی، ج ۸، ص ۲۹۶

پاداش می‌نویسند و بر حسنات او می‌افزایند، گرچه خود فرد از دنیا رفته باشد. در مقابل، کسی که راه و رسم غلط و مخالف فرمان الهی را از خود برجای می‌گذارد، تا وقتی آثار این راه و رسم غلط در فرد یا جامعه باقی است، گناه در دفتر اعمال وی ثبت می‌شود و روز به روز بر عذاب وی افزوده می‌شود. م‌دسازی‌های غلط، تولید و نشر مطالب نامناسب و غیر اخلاقی در فضای مجازی، ایجاد یا تقویت آداب و رسوم غلط در امر ازدواج، ایجاد انحرافات فکری و اخلاقی در دیگران، نمونه‌هایی از اعمال ناشایستی است که موجب سنگین شدن پرونده گناهان فرد، حتی پس از مرگ وی می‌شود.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: هر کس سنت و روش نیکی را در جامعه جاری سازد، تا وقتی که در دنیا مردمی به آن سنت عمل می‌کنند، ثواب آن اعمال را به حساب این شخص هم می‌گذارند، بدون اینکه از اجر انجام‌دهنده آن کم کنند و هر کس سنت زشتی را در بین مردم مرسوم کند، تا وقتی که مردمی بدان عمل کنند، گناه آن را به حساب او نیز می‌گذارند، بدون اینکه از گناه عامل آن، کم کنند^۱.



فعالیت کلاسی

نمونه‌هایی از اعمال را ذکر کنید که دارای آثار طولانی خوب یا بد هستند و بعد از مرگ انسان ادامه می‌یابند.

.....
.....



دومینویی به امتداد جهان آخرت

آیا تاکنون به سرگرمی دومینو دقت کرده‌اید؟

هزاران قطعه، در برنامه‌ای از قبل تنظیم شده، انرژی خود را به قطعات دیگر منتقل می‌کنند و در چند ثانیه پدیده‌ای جذاب، و لذت‌بخش به وجود می‌آورند. اما برخی دومینوها از قطعات و اجسام مادی و در فضای مادی، شکل نمی‌گیرند و قطعه‌هایشان محدود به هزاران و صدها هزار نمی‌شود. این دومینوها زمانی بیش از ثانیه‌ها و دقیقه‌ها و حتی سال‌ها برای کامل شدنشان طی می‌کنند و حتی ممکن است به آن سوی حیات انسان کشیده شوند و مهم‌تر از همه اینکه سرگرمی نیستند! چون هم ممکن است

به فاجعه‌ای هولناک تبدیل شوند و هم ممکن است آینده‌ای درخشان را در پی داشته باشند!

جالب است که تک‌تک من و شما در این دومینو، شرکت داریم.

دومینویی که آن را «forward» یا «copy and paste» می‌نامند و با «send» نقش ما در آن پایان می‌یابد.

هر چند نقش پایان می‌یابد؛ اما آثارش آغاز می‌شود؛ آثاری که برای همیشه پایدار است؛ حتی برای پس از ما.

ب) دریافت پاداش خیراتِ بازماندگان : اعمال خیری که بازماندگان برای درگذشتگان انجام می‌دهند مانند دادن صدقه، طلب مغفرت، دعای خیر و اتفاق برای آنان، در عالم برزخ به آنها می‌رسد و در سرنوشت آنها تأثیر می‌گذارد.

ج) ارتباط متوفی با خانواده : شخصی از امام کاظم علیه السلام دربارهٔ وضعیت مؤمنان پس از مرگ پرسید : «آیا مؤمن به دیدار خانواده خویش می‌آید؟»

فرمود : آری

پرسید : چقدر؟

فرمود : «برحسب مقدار فضیلت‌هایش. برخی از آنان هر روز و برخی هر دو روز و برخی هر سه روز و کمترین آنان هر جمعه».



تدبر

با دقت در ترجمه آیات زیر بگوئید هریک از آیات به کدام یک از ویژگی‌های عالم برزخ اشاره دارند؟

۱- فرشتگان به کسانی که روح آنان را دریافت می‌کنند درحالی که به خود ظلم کرده‌اند، می‌گویند : شما در [دنیا] چگونه بودید؟ گفتند : ما در سرزمین خود تحت فشار و مستضعف بودیم. فرشتگان گفتند : مگر زمین خدا وسیع نبود که مهاجرت کنید؟

نساء، ۹۷

۲- آنان که فرشتگان روحشان را می‌گیرند درحالی که پاک و پاکیزه‌اند، به آنها می‌گویند : «سلام بر شما، وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام دادید.»

نحل، ۳۲

منظور از فشار قبر و عذاب‌های داخل قبر چیست؟ آیا منظور تنگ‌شدن قبر خاکی و عذاب جسم بی‌جان انسان است؟

در روایات هر جا که سخن از عذاب قبر به میان آمده است، منظور قبرهای دنیوی نیست؛ بلکه در این روایات، قبر کنایه از عالم برزخ است و فشار قبر فشاری است که به روح انسان، به علت قطع تعلق از دنیا و ورود به عالم برزخ وارد می‌شود. توضیح اینکه، با مرگ انسان و جدا شدن روح از بدن، انسان به عالم برزخ وارد می‌شود؛ عالمی که دارای ویژگی‌ها و معیارهای دنیا نیست و از این رو انسان با محیطی ناشناخته و متفاوت با دنیا مواجه می‌شود. انسان‌هایی که در زندگی دنیوی موفق به ترک تعلق به دنیا نشده‌اند و اسیر دنیا و تعلقات آن بوده‌اند و انس با دنیا و دلبستگی شدید به آن هنوز در قلب و روح آنها وجود دارد، با ورود به این عالم جدید و از دست دادن دلبستگی‌های دنیوی، دچار ترس و وحشت می‌شوند و همچنین به دلیل گناهانی که انجام داده‌اند، در عذاب و فشار روحی قرار می‌گیرند. هرچه انس و تعلق انسان به دنیا بیشتر باشد، این فشارها و وحشت‌ها بیشتر خواهد بود و هرچه تعلق کمتر باشد، این ترس و فشار کمتر می‌شود. پس این عذاب و فشار قبر به معنای تنگ‌شدن قبر خاکی نیست؛ بلکه منظور در فشار و عذاب بودن روح انسان است.^۱

اندیشه و تحقیق

- ۱- منظور از کلمه «تَوَفَّی» در قرآن کریم، چیست و برای اشاره به کدام بُعد از وجود انسان استفاده شده است؟
- ۲- دو مورد از ویژگی‌های عالم برزخ را بیان کنید.

۱- زندگی پس از مرگ، حسین سوزنجی، صص ۶۷-۶۶

در شهر شما انسان‌های نیکوکاری بوده‌اند که آثار خیری از خود به یادگار گذاشته‌اند که نتیجه آنها همچنان در پرونده اعمالشان ثبت می‌شود. درباره آنها تحقیق کنید و کارهای خیر آنها را گزارش نمایید.

سخن گفتن حضرت علی (ع) با مردگان!

حضرت علی (ع) در راه بازگشت از جنگ صفین به قبرستانی رسیدند. در این هنگام، روبه سوی قبرها کردند و فرمودند: «... ای آرمیدگان در خاک، ای اهل غربت و تنهایی، ای فرورفتگان در وحشت، شما در رفتن بر ما پیشی گرفتید و ما از بی شما می‌آییم و به شما ملحق می‌شویم؛ اما خانه‌هایی از خود به جای گذاشتید که پس از شما در آن مسکن گزیدند؛ همسرانمان ازدواج کردند و اموالتان میان وارثان تقسیم شد. اینها خبرهایی بود که ما داشتیم، شما چه خبری برای ما دارید؟»

سپس به یاران خود نگاه کردند و فرمودند: «اگر به آنان اجازه سخن گفتن داده می‌شد، خبر می‌دادند و می‌گفتند: یقیناً بهترین توشه برای ابدیت تقواست.»

نهج البلاغه، حکمت ۱۳۰



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ① وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ②
وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ③ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ④
وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ⑤ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ⑥
وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ⑦ وَإِذَا الْمَوْءِدَةُ سُئِلَتْ ⑧
بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ⑨ وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ⑩
وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ⑪ وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ⑫
وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ⑬ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ ⑭
فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ ⑮ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ⑯ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ⑰
وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ⑱ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ⑲
ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ⑳ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ ㉑
وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ㉒ وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ ㉓
وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ㉔ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ㉕
فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ㉖ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ㉗ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ
أَنْ يَسْتَقِيمَ ㉘ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ㉙

سورة تکویر

به نام خداوند رحمت گر مهربان

۱. آنگاه که خورشید به هم دربیجد.
۲. و آنگاه که ستارگان تیره شوند.
۳. و آنگاه که کوه‌ها حرکت داده شوند.
۴. و آنگاه که شتران ماده [به هنگام زادن] وانهاده شوند.
۵. و آنگاه که حیوانات وحشی گرد آورنده شوند.
۶. و آنگاه که دریاها جوش آورده شوند.
۷. و آنگاه که افراد با همجنس خود قرین شوند.
۸. و هنگامی که از دختران زنده به گور شده بپرسند.
۹. به کدامین گناه کشته شدند.
۱۰. و آنگاه که نامه‌های اعمال باز شوند.
۱۱. و آنگاه که آسمان از جا کنده شود.
۱۲. و آنگاه که جهنم برافروخته شود.
۱۳. و آنگاه که بهشت نزدیک شود.
۱۴. هرکسی بی ببرد چه فراهم کرده است.
۱۵. سوگند می‌خورم به آن ستارگان غایب شوند [به هنگام روز]؛
۱۶. همان روندگان پنهان شوند،
۱۷. سوگند به شب چون پشت کند.
۱۸. سوگند به صبح چون بدمد.
۱۹. که [قرآن] سخن فرستاده‌ای بزرگوار است.
۲۰. نیرومندی [که] نزد صاحب عرش، مقامی بلند دارد.
۲۱. در آنجا مورد اطاعت [فرشتگان] و امین است.
۲۲. و همنشین شما [محمد] دیوانه نیست.
۲۳. و قطعاً آن [فرشته وحی] را در افق رخشان دیده.
۲۴. و او در امر غیب بخیل نیست.
۲۵. و [قرآن] سخن شیطان رانده شده نیست.

واقعۀ بزرگ

همه در حال و هوای خویش اند؛ کودک، جوان، پیر؛ که ناگهان اتفاق می افتد؛
آنچه وعده اش داده شده بود،

آنچه وقوعش حتمی و زمامش نامعلوم بود و ما آن را دور می پنداشتیم.
قیامت اتفاق می افتد تا آغازی باشد بر حیات ابدی انسان.

روزی که هر مادر شیردهی، طفل شیرخوار خود را فراموش می کند. مردم از هیبت آن روز
همچون افراد مست به نظر می رسند؛ درحالی که مست نیستند ولیکن عذاب خدا سخت است.^۱
و تنها نیکوکاران اند که از وحشت این روز در امان اند.^۲
اما این واقعه با چه حوادثی همراه است؟ چه مراحل دارد؟

۲- سورة نمل، ۸۹

۱- سورة حج، ۱ و ۲

پایان این جهان با برپایی قیامت همراه است. این رخداد بزرگ که در آیاتی از قرآن کریم ترسیم شده، در دو مرحله انجام می‌گیرد که در هر مرحله وقایع خاصی رخ می‌دهد.

■ الف) مرحلهٔ اوّل قیامت

در این مرحله که با پایان یافتن دنیا آغاز می‌شود، حوادث زیر اتفاق می‌افتد:

- ۱- شنیده شدن صدایی مهیب: صدایی مهیب و سهمگین آسمان‌ها و زمین را فرا می‌گیرد. و این اتفاق چنان ناگهانی رخ می‌دهد که همه را غافلگیر می‌کند؛ قرآن کریم از این واقعه به نفع صورتی یاد می‌کند.^۱
- ۲- مرگ اهل آسمان‌ها و زمین: همهٔ اهل آسمان‌ها و زمین، جز آنها که خداوند خواسته است، می‌میرند^۲ و بساط حیات انسان و دیگر موجودات برچیده می‌شود.
- ۳- تغییر در ساختار زمین و آسمان‌ها: تحولی عظیم در آسمان‌ها و زمین رخ می‌دهد. خورشید در هم می‌پیچد و بی‌نور و تاریک می‌شود.^۴ آن همه ستاره‌ای که در آسمان می‌درخشید، همه به یک باره تیره می‌شوند،^۵ زمین به شدت به لرزه در می‌آید^۶ و خرد می‌شود،^۷ کوه‌ها سخت در هم کوبیده شده^۸ و متلاشی می‌شوند و همچون ذرات گرد و غبار در هوا پراکنده می‌گردند.^۹

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَ
كَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا
در آن روز که زمین و کوه‌ها سخت به لرزه درآیند
و کوه‌ها (چنان درهم کوبیده شوند که) به صورت
توده‌هایی از شن نرم درآیند.

مَزْمَل، ۱۴

- دریاها با آن همه وسعت و عظمت به هم متصل می‌شوند^{۱۰} و از درون آنها آتش زبانه می‌کشد.^{۱۱}
- این تغییرات چنان گسترده و عمیق است که آسمان‌ها و زمین به آسمان‌ها و زمینی دیگر تبدیل می‌شوند.^{۱۲}

■ ب) مرحلهٔ دوم قیامت

در این مرحله وقایعی رخ می‌دهد تا انسان‌ها آمادهٔ دریافت پاداش و کیفر شوند.

- ۱- زنده شدن همهٔ انسان‌ها: بار دیگر بانگ سهمناکی در عالم می‌پیچد و حیات مجدد انسان‌ها آغاز می‌شود.^{۱۳} با این صدا، همهٔ مردگان دوباره زنده می‌شوند و در پیشگاه خداوند حاضر

۱- سورة زمر، ۶۸	۲- سورة زمر، ۶۸	۳- بنابر روایات، پیامبران الهی و امامان بزرگوار از این قضیه استثنا شده‌اند. (انسان از آغاز تا انجام، علامه طباطبائی، ص ۹۳)
۴- سورة تکویر، ۱	۵- سورة تکویر، ۲	۶- سورة واقعه، ۴
۷- سورة فجر، ۲۱	۸- سورة حافه، ۱۴	۹- سورة واقعه، ۵ و ۶
۱۰- سورة انفطار، ۳	۱۱- سورة تکویر، ۶	۱۲- سورة ابراهیم، ۴۸
۱۳- سورة زمر، ۶۸		

می‌گردند. در این هنگام انسان‌های گناهکار به دنبال راه فراری می‌گردند؛ دل‌های آنان سخت هراسان و چشم‌هایشان از ترس به زیر افکنده است.^۱

۲- کنار رفتن پرده از حقایق عالم: در آن روز با تابیدن نور حقیقت از جانب خداوند پرده‌ها کنار می‌رود و اسرار و حقایق عالم آشکار می‌شود^۲ و واقعیت همه چیز از جمله اعمال و رفتار و نیت انسان‌ها و نیز حوادث تلخ و شیرینی که در زمین اتفاق افتاده است، آشکار می‌شود.

۳- برپا شدن دادگاه عدل الهی: با آماده شدن صحنه قیامت، رسیدگی به اعمال آغاز می‌شود و اعمال، افکار و نیت‌های انسان‌ها در ترازوی عدل پروردگار سنجیده می‌شود و اگر عملی حتی به اندازه ذره‌ای ناچیز باشد، به حساب آن نیز رسیدگی خواهد شد.^۳ اعمال پیامبران و امامان معیار و میزان سنجش اعمال قرار می‌گیرد؛ زیرا اعمال آنان عین آن چیزی است که خدا به آن دستور داده است؛ از این رو هرچه عمل انسان‌ها به راه و روش آنان نزدیک‌تر باشد، ارزش افزون‌تری خواهد داشت.

۴- دادن نامه اعمال: نامه عمل نیکوکاران را به دست راست و نامه عمل بدکاران را به دست چپ آنها می‌دهند.^۴ نامه عمل انسان با نامه‌های ثبت شده در دنیا تفاوتی اساسی دارد. نامه‌های این دنیا، صرفاً گزارشی از عمل است که به صورت کلمات و نوشته درآمده است؛ اما نامه عمل انسان به گونه‌ای است که خود عمل و حقیقت آن را در بر دارد. از این رو، تمام اعمال انسان در قیامت حاضر می‌شوند و انسان عین اعمال خود را می‌بیند. کارهای خوب با صورت‌های بسیار زیبا و لذت‌بخش تجسم می‌یابند و کارهای بد با صورت‌های بسیار زشت و وحشت‌زا و آزاردهنده، مجسم می‌شوند.

با دیدن نامه اعمال، برخی بدکاران به انکار اعمال ناشایست خود روی می‌آورند تا جایی که برای نجات خود از مهلکه به دروغ سوگند می‌خورند که چنین اعمالی انجام نداده‌اند. در این هنگام، خداوند شاهدان و گواهانی را حاضر می‌کند، که با وجود آنها دیگر انکار کردن میسر نیست.

۵- حضور شاهدان و گواهان: براساس آیات و روایات، در این روز شاهدان و گواهانی بر اعمال و رفتار انسان‌ها در پیشگاه خداوند شهادت می‌دهند. برخی از این شاهدان عبارت‌اند از:

الف) پیامبران و امامان: ایشان همان‌گونه که در دنیا ناظر و شاهد بر اعمال انسان‌ها بوده‌اند، در روز قیامت نیز شاهدان دادگاه عدل الهی‌اند و چون ظاهر و باطن اعمال انسان‌ها را در دنیا دیده‌اند و

۱- سورة نازعات، ۸ و ۹

۲- سورة زمر، ۶۹

۳- سورة انبیاء، ۴۷

۴- سورة حاقه، ۲۶- ۱۹

از هر خطایی مصون و محفوظاند، بهترین گواهان قیامت‌اند. رسول خدا ﷺ نیز شاهد و ناظر بر همه پیامبران و امت‌هاست.^۱

ب) فرشتگان الهی: فرشتگان در طول زندگی انسان‌ها، همواره مراقب آنها بوده‌اند و تمامی اعمال آنها را ثبت و ضبط کرده‌اند.

وَأَنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ	بی‌گمان برای شما نگهبانانی هستند،
كِرَامًا كَاتِبِينَ	نویسندگانی گران قدر،
يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ	می‌دانند آنچه را که انجام می‌دهید.

انفطار، ۱۲-۱۰

ج) اعضای بدن انسان: برخی آیات و روایات از شهادت اعضای بدن انسان یاد می‌کنند. بدکاران در روز قیامت سوگند دروغ می‌خورند تا شاید خود را از مهلکه نجات دهند. در این حال، خداوند بر دهان آنها مهر خاموشی می‌زند و اعضا و جوارح آنها به اذن خداوند شروع به سخن گفتن می‌کنند و علیه صاحب خود شهادت می‌دهند.

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ	امروز بر دهانشان مهر می‌نهم
وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ	و دست‌هایشان با ما سخن می‌گویند
وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ	و پاهایشان شهادت می‌دهد
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ	در باره آنچه انجام داده‌اند.

یس، ۶۵

بدکاران از مشاهده گواهی اعضای خویش به شگفت می‌آیند و خطاب به اعضای بدن خود با لحنی سرزنش‌آمیز می‌گویند که چرا علیه ما شهادت می‌دهید؟ اعضای بدن آنها می‌گویند: ما را خدایی به سخن آورد که هر چیزی را به سخن آورد.^۲

۱- سورة نساء، ۴۱

۲- سورة فصلت، ۲۱

در روز قیامت افراد بدکار با دیدن حقیقت آن جهان و عاقبت شوم خویش، شروع به سرزنش خود کرده و آرزو می‌کنند که ای کاش...

- ۱- ای کاش برای این زندگی ام چیزی از پیش فرستاده بودم. فجر، ۲۴
 - ۲- ای کاش (به دنیا) بازگردانده می‌شدیم و آیات پروردگارمان را تکذیب نمی‌کردیم و از مؤمنان می‌بودیم. انعام، ۲۷
 - ۳- ای کاش همراه و هم‌مسیر با پیامبر می‌شدیم. فرقان، ۲۷
 - ۴- ای کاش فلان شخص را به‌عنوان دوست خود انتخاب نمی‌کردیم. او ما را از یاد خدا بازداشت. فرقان ۲۸ و ۲۹
- با توجه به آیات بالا بگویید برای اینکه ما از حسرت‌خوردگان آن جهان نباشیم، بایستی در این دنیا چگونه زندگی کنیم؟
-
-

پناه من باش!

حضرت علی علیه السلام در مناجات خود در مسجد کوفه این گونه با خدا درباره روز قیامت سخن می‌گوید :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْآمَانَ يَوْمَ لَا تَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ،

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

خدایا پناه من باش در روزی که نه مال به درد انسان می‌خورد نه فرزند

و تنها آوردن قلبی پاک به نزد خداست که انسان را فایده می‌بخشد.

وَأَسْأَلُكَ الْآمَانَ يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ،

يَقُولُ يَا أَيَّتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا

خدایا پناه من باش روزی که گناهکار دست حسرت به دندان می‌گزد

می‌گوید ای کاش با رسول خدا همراه می‌شدم.

... وَ أَسْأَلُكَ الْإِمَانُ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَ أَبِيهِ وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنِيهِ
 خدایا پناه من باش روزی که انسان حتی از برادر، مادر، پدر، دوست و فرزند خود فرار می کند.
 وَ أَسْأَلُكَ الْإِمَانُ يَوْمَ يَوْدُ الْمُجْرِمُ لَوْ يُفْتَدَى مِنْ عَذَابٍ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ
 وَ صَاحِبَتِهِ وَ أَخِيهِ وَ فَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ
 خدایا به من پناه ده در روزی که انسان های گناهکار حاضرند فرزند، دوست، برادر
 و خویشان بلکه تمام مردم زمین به جای آنها عذاب شوند تا خود نجات یابند.



وقتی خداوند شاهد اعمال انسان است، دیگر چه نیازی به حضور شاهدان دیگر دارد؟
 درست است که خداوند برای حساسی به اعمال انسان نیاز به هیچ شاهی ندارد؛ اما باز هم
 به دلیل لطف و عنایتی که به بندگانش دارد، شهادتی را بر اعمال انسان می گمارد تا شاید انسان با توجه
 به این مسئله که تک تک اعمالش زیر نظر ناظران و گواهان بسیار است، از ارتکاب گناه خودداری
 کند، زیرا این خصلت انسان است که هر چه حضور ناظران و شاهدان را بیشتر احساس کند، در رفتار
 خود دقت بیشتری می کند. حال اگر انسان بداند که هر عملی که انجام می دهد، علاوه بر آنکه خدا شاهد
 اوست، پیامبر، امامان، ملائک و ... نیز ناظر بر اعمال اویند، انگیزه پرهیز از گناه در دلش قوی تر
 می شود و این موضوع وی را به حفظ هر چه بیشتر حریم و حدود الهی و می دارد.
 همچنین، این مسئله نشان می دهد که زمین، اعضای بدن و هر آنچه در اطراف ماست و خداوند
 از آنها به عنوان شاهد یاد می کند، دارای شعور و آگاهی اند و از آنچه ما انجام می دهیم آگاه اند و روزی
 علیه ما شهادت خواهند داد.

✽ اندکی درنگ

خود را تا چه اندازه برای قیامت آماده کرده ایم؟ کارهای خود را محاسبه و ارزیابی کنیم؛ اگر
 موفقیم، شکرگزار خداوند باشیم و بدون آنکه مغرور شویم، بر تلاش خود بیفزاییم و اگر کمتر احساس
 موفقیت می کنیم، تصمیم بگیریم گذشته را جبران کنیم و برای موفقیت از خداوند کمک بخواهیم.

- ۱- اعمال ما چه شاهدانی در قیامت، دارد؟
- ۲- برخی از وقایعی که در مرحله دوم قیامت رخ می‌دهد، بیان کنید.

سبک بار شوید!

امام علی علیه السلام :

قیامت پیش روی شما و مرگ در پشت سر، شما را می‌راند. سبک بار شوید تا برسید^۱. همانا آنان که رفتند در انتظار رسیدن شمایند.

نهج البلاغه، خطبه ۲۱

۱- سید رضی، جمع‌آوری کننده سخنان حضرت علی علیه السلام در پایان این خطبه می‌گوید: این سخن امام پس از سخن خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله با هر سخنی سنجیده شود، بر آن برتری دارد و از آن پیشی می‌گیرد و از جمله «سبک بار شوید تا برسید» کلامی کوتاه‌تر و پرمعنی‌تر از آن شنیده شده است! چه کلمه ژرف و بلندی و چه جمله پرمعنی و حکمت‌آمیزی است!



وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ
 إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ
 ﴿٦٨﴾ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجُمِعَ
 بِالْبَيْعِ وَالشَّهَادَةِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
 ﴿٦٩﴾ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ
 ﴿٧٠﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا
 فَتَحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ
 مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنْذِرُونَكُمْ
 لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ
 عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧١﴾ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ
 فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا
 رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا
 وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ
 ﴿٧٣﴾ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ
 نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ ۖ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿٧٤﴾

و در صور دمیده می‌شود، پس هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است - جز آن کس که خدا بخواهد - بیهوش درمی‌افتند؛ سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود و بی‌درنگ آنان به پا می‌خیزند و می‌نگرند [که با آنها چه خواهد شد]. ۶۸

و زمین به نور پروردگارش روشن گردد و کارنامه [اعمال در میان] نهاده شود و پیامبران و شاهدان را بیاورند و میانشان به حق داوری گردد و مورد ستم قرار نگیرند. ۶۹

و هر کسی [نتیجه] آنچه انجام داده است به تمام بیاید و او به آنچه می‌کنند دانایتر است. ۷۰

و کسانی که کافر شده‌اند گروه گروه به سوی جهنم رانده شوند تا چون بدان رسند درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و نگهبانانش به آنان گویند مگر فرستادگانی از خودتان بر شما نیامدند که آیات پروردگارتان را بر شما بخوانند و به دیدار چنین روزی شما را هشدار دهند؟ گویند چرا؛ ولی [به دلیل اعمالمان] فرمان عذاب بر کافران محقق شد. ۷۱

و گفته شود از درهای دوزخ درآید جاودانه در آن بمانید. و چه بد [جایی] است جای سرکشان. ۷۲

و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته‌اند گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند تا چون بدان رسند و درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و نگهبانان آن به ایشان گویند سلام بر شما خوش آمدید در آن درآید [و] جاودانه [بمانید]. ۷۳

و گویند سپاس خدایی را که وعده‌اش را بر ما راست گردانید و سرزمین [بهشت] را به ما میراث داد از هر جای آن باغ [پهناور] که بخواهیم جای می‌گزینیم چه نیک است پاداش اهل عمل [به دستورات الهی]. ۷۴

فرجام کار

در درس گذشته خواندیم که هنگام وقوع قیامت، چه حوادثی اتفاق می افتد و دادگاه عدل الهی، چگونه تشکیل می شود.

در این درس می خواهیم با بهره مندی از قرآن کریم و سخنان معصومان، سرانجام و سرنوشت انسان را تا جایگاه ابدی دنبال کنیم و دریابیم :

۱- زندگی نیکوکاران و گناهکاران در آخرت، چگونه است؟

۲- چه رابطه ای میان اعمال ما و نوع پاداش و جزای آخرت، وجود دارد؟

۱- جایگاه نیکوکاران

اینجا بهشت است! جایی که پس از پایان حسابرسی، نیکوکاران و رستگاران را به سوی آن راهنمایی می‌کند؛ بهشت آمادهٔ استقبال و پذیرایی از آنهاست و چون بهشتیان سر رسند، درهای آن را به روی خود گشوده می‌بینند. بهشت هشت در دارد که بهشتیان از آن درها وارد می‌شوند.^۱ یک در مخصوص پیامبران و صدیقان، یک در مخصوص شهیدان و درهای دیگر برای گروه‌های دیگر است.^۲ از هر دری فرشتگان برای استقبال به سوی آنان می‌آیند^۳ و به بهشتیان سلام می‌کنند و می‌گویند: خوش آمدید؛ وارد بهشت شوید و برای همیشه در آن زندگی کنید.^۴ بهشتیان می‌گویند خدای را سپاس که به وعدهٔ خود وفا و این جایگاه زیبا را به ما عطا کرد.^۵ هریک از بهشتیان در درجه‌ای خاص از بهشت قرار می‌گیرند.

هرچه دل‌هایشان تمنا کند و دیدگانشان را خوش آید، آماده می‌بینند.^۶ خدا را سپاس می‌گویند که حزن و اندوه را از آنان زدوده و از رنج و درماندگی، دور کرده است.^۷ علاوه بر این، بالاترین نعمت بهشت، یعنی رسیدن به مقام خشنودی خدا را برای خود می‌یابند و از این رستگاری بزرگ مسرورند.^۸ بهشتیان با خدا هم‌صحبت‌اند و به جمله «خدایا! تو پاک و منزهی» مترنم‌اند.^۹ بهشت برای آنان سرای سلامتی (دارالسلام) است؛^{۱۰} یعنی هیچ نقصانی، غصه‌ای، ترسی، بیماری‌ای، جهلی، مرگ و هلاکتی، و خلاصه، هیچ ناراحتی و رنجی در آنجا نیست. نعمت‌های دائمی آن هیچ‌گاه خستگی و سستی نمی‌آورد. در آنجا انسان همیشه شاداب و سرحال است و همواره احساس طراوت و تازگی می‌کند. دوستان و هم‌نشینان انسان در آنجا، پیامبران، راستگويان، شهیدان و نیکوکاران‌اند و آنان چه نیکو هم‌نشینانی هستند.^{۱۱}

۱- کنز العمال، به نقل از امام باقر (ع)، ج ۱۴، ص ۴۵۱

۲- خصال، شیخ صدوق، باب هشتاد، ص ۴۰۷

۳- سورة رعد، ۲۳

۴- سورة زمر، ۷۳

۵- سورة زمر، ۷۴

۶- سورة زخرف، ۷۱

۷- سورة فاطر، ۳۴ و ۳۵

۸- سورة توبه، ۷۲

۹- سورة یونس، ۱۰

۱۰- سورة انعام، ۱۲۷

۱۱- سورة نساء، ۶۹

زنان و مردان بهشتی در زیباترین و جوان‌ترین صورت و قیافه در بهشت به سر می‌برند. زندگی آنان سرشار از عشق، لذت و سرور است. همسران بهشتی خوش‌رفتار و زیبارو، جوان و شاداب، پاک و طاهر، خوش و خرم، پیوسته عاشق و خرسند از همسر خود هستند.^{۱۰۱}

تدبیر

با تدبیر در ترجمه آیات زیر بگویید که اگر ما هم بخواهیم در زمره بهشتیان باشیم باید در دنیا چگونه زندگی کنیم؟

۱- امروز روزی است که راستی راستگويان به آنها سود بخشد، برای آنها باغ‌هایی از بهشت است.

مأیده، ۱۱۹

۲- و شتاب کنید برای رسیدن به آموزش پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن، آسمان‌ها و زمین است و برای متقیان آماده شده است؛ همان‌ها که در زمان توانگری و تنگدستی، انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم می‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد. و آنها که وقتی مرتکب عمل زشتی می‌شوند، یا به خود ستم می‌کنند، به یاد خدا می‌افتند و برای گناهان خود طلب آمرزش می‌کنند.

آل عمران، ۱۳۵-۱۳۲

۳- و آنها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند و آنها که به راستی ادای شهادت کنند و آنها که بر نماز مواظبت دارند، آنان در باغ‌های بهشتی گرامی داشته می‌شوند.

معارج، ۳۵-۳۲

.....

.....

۱- سورة واقعه، ۲۲ تا ۲۴ و ۳۵ تا ۳۷؛ سورة الرحمن، ۷۰ تا ۷۷

۲- برای اطلاع بیشتر از ویژگی‌های بهشت به جلد ۱۰ معادشناسی از علامه حسینی تهرانی و کتاب «معاد» استاد قرائتی مراجعه کنید.

جایی که در آن ملال و دلزدگی نیست

ممکن است این سؤال برای برخی پیش آید که آیا زندگی کردن تا ابد در بهشت موجب خستگی و دلزدگی بهشتیان نخواهد شد؟

منشأ این سؤال مقایسه لذت‌های بهشتی با لذت‌های دنیوی است و اینکه لذت‌های دنیوی پس از مدتی تکراری و خسته‌کننده می‌شوند. خوب است بدانیم علت اینکه لذت‌های دنیا بعد از مدتی تکراری و خسته‌کننده می‌شوند این است که :

اولاً دامنه لذات مادی محدود است و در برابر روح بی‌نهایت‌طلب و بلندپرواز انسان نمی‌تواند برای مدت طولانی ارزش خود را حفظ کند. برای همین حتی ثروتمندترین افراد نیز پس از مدتی از زندگی یکنواخت خود خسته می‌شوند. اما نعمت‌ها و لذات بهشتی پایان‌ناپذیر است و بدون هیچ حدی در اختیار بهشتیان است.

ثانیاً از آنجا که روح انسان متعلق به خداست و تنها با او آرام می‌گیرد، مدام در تلاش برای رسیدن به اوست و از همین رو هیچ هدف یا لذتی نمی‌تواند برای همیشه او را به خود مشغول سازد. از این رو، آنان که از خدا دور افتاده‌اند، مدام از این هدف به آن هدف و از این لذت به آن لذت دیگر روی می‌آورند تا مگر آرام و قرار گیرند، اما چون گمگشته خود را در هیچ یک نمی‌یابند، نمی‌توانند برای همیشه خود را با آن سرگرم کنند. اما در بهشت، انسان خواسته حقیقی و گمگشته درونی خویش که همان لقای پروردگار است را، می‌یابد و با او آرام می‌گیرد و دیگر به هیچ رو خواستار تغییر این وضعیت و دگرگونی در آن نیست؛ زیرا در نهایت آرامش به سر می‌برد و روح بی‌نهایت‌طلب او از مواهب پایان‌ناپذیر بهشت برخوردار است. قرآن کریم می‌فرماید :

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا در آن [بهشت ابدی] جاویدان‌اند و خواستار

هیچ‌گونه دگرگونی نیستند.^۱

۲- جایگاه دوزخیان

پس از پایان محاکمه، دوزخیان گروه‌گروه به سوی جهنم رانده می‌شوند^۱ و درحالی‌که در غل و زنجیر بسته شده‌اند، در جایگاهی تنگ افکنده می‌شوند.^۲

آتش جهنم، بسیار سخت و سوزاننده است. این آتش حاصل عمل خود انسان‌هاست و برای همین، از درون جان آنها شعله می‌کشد.^۳

در این حال، نالهٔ حسرت دوزخیان بلند می‌شود و می‌گویند: ای کاش خدا را فرمان می‌بردیم و پیامبر او را اطاعت می‌کردیم.^۴ ای کاش فلان شخص را به‌عنوان دوست خود انتخاب نمی‌کردیم. او ما را از یاد خدا بازداشت.^۵ دریغ بر ما، به خاطر آن کوتاهی‌هایی که در دنیا کردیم!^۶

آنان به خداوند می‌گویند: پروردگارا شقاوت بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم. ما را از اینجا بیرون بر که اگر به دنیا بازگردیم، عمل صالح انجام می‌دهیم.^۷

پاسخ قطعی خداوند این است که آیا در دنیا به اندازهٔ کافی به شما عمر ندادیم تا هرکس می‌خواست به راه راست آید؟^۸ ما می‌دانیم اگر به دنیا بازگردید، همان راه گذشته را پیش می‌گیرید.^۹

آنان گاهی دیگران را مقصر می‌شمارند و می‌گویند: شیطان و بزرگان و سرورانمان سبب گمراهی ما شدند.^{۱۰} شیطان می‌گوید من فقط شما را فراخواندم و شما نیز مرا پذیرفتید. مرا ملامت نکنید، خود را ملامت کنید.^{۱۱} به نگهبانان جهنم رو می‌آورند تا آنها برایشان از خداوند تخفیفی بگیرند؛ ولی فرشتگان می‌گویند: مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند؟ آنان می‌گویند: بلی! فرشتگان نیز تقاضای آنها را نمی‌پذیرند و درخواستشان را بیجا می‌دانند.^{۱۲}

تدبر

ترجمهٔ آیات صفحه بعد به توصیف برخی از ویژگی‌های جهنمیان می‌پردازد. با تدبر در آنها بیان کنید که چه زمینه‌هایی می‌تواند شما را به سوی جهنم بکشانند؟ آنها را بیابید و برنامه‌ای برای از بین بردن آن زمینه‌ها تنظیم کنید.

- | | | |
|------------------------|------------------------|------------------------|
| ۱- سورة زمر، ۷۱ | ۲- سورة فرقان، ۱۳ | ۳- سورة همزه، ۴ تا ۷ |
| ۴- سورة احزاب، ۶۶ | ۵- سورة فرقان، ۲۸ و ۲۹ | ۶- سورة انعام، ۳۱ |
| ۷- سورة مؤمنون، ۶ و ۷۰ | ۸- سورة فاطر، ۳۷ | ۹- سورة انعام، ۲۸ |
| ۱۰- سورة احزاب، ۶۷ | ۱۱- سورة ابراهيم، ۲۲ | ۱۲- سورة غافر، ۴۹ و ۵۰ |

۱- جهنمیان می‌گویند: ما در دنیا نماز نمی‌خواندیم و از محرومان دستگیری نمی‌کردیم؛ همراه بدکاران غرق در معصیت خدا می‌شدیم و روز رستاخیز را تکذیب می‌کردیم. مدثر، ۴۷-۴۰

۲- برای کسانی که کارهای زشت انجام دهند و هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا رسد می‌گوید: الان توبه کردم، توبه نیست و اینها کسانی هستند که عذاب دردناکی برایشان فراهم کردیم. نساء، ۱۸

۳- (جهنمیان) پیش از این (در دنیا) مست و مغرور نعمت بودند و برگناهان بزرگ اصرار می‌ورزیدند. واقعه، ۴۶-۴۵

رابطه میان عمل و پاداش و کیفر

از سؤال‌های قابل توجه این است که رابطه اعمال دنیایی با جزا و پاداش اخروی چگونه است؟ رابطه میان عمل و جزای آن، سه‌گونه است:

۱- **قراردادی:** گاهی پاداش و کیفر براساس مجموعه‌ای از قراردادها تعیین می‌شود؛ مانند اینکه اگر کارگر در طول روز، کار معینی را انجام دهد، دستمزد مشخصی در برابر آن کار دریافت می‌کند. همچنین اگر کسی مرتکب جرمی شود، مطابق با قوانین و مقررات به پرداخت جریمه نقدی یا زندان و نظایر آن محکوم می‌شود. رابطه میان آن کارها و این‌گونه پاداش‌ها و کیفرها، یک رابطه قراردادی است و انسان‌ها می‌توانند با وضع قوانین جدید این رابطه‌ها را تغییر دهند؛ برای مثال، اگر کیفر جرمی زندان است، آن را به پرداخت جریمه نقدی تبدیل کنند. آنچه در اینجا اهمیت دارد، تناسب میان جرم و کیفر است تا عدالت برقرار گردد.

۲- **نتیجه طبیعی خود عمل:** گاهی پاداش و کیفر محصول طبیعی خود عمل است و انسان‌ها نمی‌توانند آن را تغییر دهند، بلکه باید خود را با آن هماهنگ کنند و با آگاهی کامل از آن برنامه زندگی خود را تنظیم و سعادت زندگی خویش را تأمین کنند؛ مثلاً اگر کسی سیگار بکشد و بهداشت را رعایت نکند، به امراض گوناگونی مبتلا می‌شود. همچنین اگر کسی اهل مطالعه و تحقیق باشد، به طور طبیعی به علم و آگاهی دست می‌یابد یا اگر روزانه ورزش کند، به سلامت و تندرستی خود کمک کرده است.

۳- تجسم خود عمل: نوع دیگری از رابطه میان عمل و پاداش و کیفر وجود دارد که عمیق‌تر و کامل‌تر از دو نوع قبلی است. همان‌طور که در بحث از نامه عمل دیدیم، آنچه انسان با خود به قیامت می‌برد، باطن اعمالی است که اکنون در این دنیا قابل مشاهده نیست. هر عملی یک جنبه ظاهری و یک جنبه باطنی دارد. جنبه ظاهری بعد از عمل از بین می‌رود؛ اما جنبه باطنی هرگز از بین نمی‌رود و در روح هر انسانی باقی می‌ماند. بنابراین، هر عملی که ما در زندگی دنیوی انجام می‌دهیم، حقیقت و باطن آن عمل در جهان آخرت به صورت زشت یا زیبا، لذت‌بخش یا دردآور مجسم می‌شود و انسان خود را در میان باطن اعمال خود می‌بیند. پس آنچه در روز قیامت به عنوان پاداش یا کیفر به ما داده می‌شود، عین عمل ماست. به عنوان مثال، کسی که ربا می‌خورد و یا مال یتیمی را به ناحق تصاحب می‌کند، اگر باطن و چهره واقعی عمل او در همین دنیا برملا شود، همگان خواهند دید که او در حال خوردن آتش است؛ اما در دنیا این آتش آشکار نمی‌شود و هنگامی که او وارد جهان آخرت می‌شود و پرده‌ها کنار می‌رود، حقیقت و باطن عمل عیان می‌گردد و آتش از درون او زبانه می‌کشد.

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ

کسانی که می‌خورند

أَمْوَالِ الْيَتَامَى ظُلْمًا

اموال یتیمان را از روی ظلم

إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا

جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می‌برند

و سَيَصْلُونَ سَعِيرًا

و به‌زودی در آتشی فروزان درآیند.

نساء، ۱۰

رسول خدا ﷺ در ضمن نصایحی که به یکی از یاران خود می‌کرد، فرمود:

«برای تو ناچار هم‌نشینی خواهد بود که هرگز از تو جدا نمی‌گردد و با تو دفن می‌شود... آنگاه آن هم‌نشین در رستخیز با تو برانگیخته می‌شود و تو مسئول آن هستی. پس دقت کن، هم‌نشینی که انتخاب می‌کنی، نیک باشد؛ زیرا اگر او نیک باشد، مایهٔ انس تو خواهد بود و در غیر این صورت، موجب وحشت تو می‌شود. آن هم‌نشین، کردار توست»^۱.

بنابراین در عرصه قیامت، تصویر اعمال انسان یا گزارشی از عمل انسان نمایش داده نمی‌شود؛ بلکه خود عمل نمایان می‌شود و هر کس عین عمل خود را می‌بیند.

چهار رفیق

تاجری چهار رفیق صمیمی داشت. از میان آنها، رفیق چهارم را بیشتر از همه دوست داشت. تاجر با خرید هدایای فراوان، دوستی خود را به او ابراز می‌کرد و با احترام بسیار با وی رفتار می‌نمود. او بهترین هر چیز را برای این دوست خود کنار می‌گذاشت.

تاجر، رفیق سومش را هم دوست داشت؛ چنان‌که همه‌جا به داشتن چنین رفیقی افتخار می‌کرد و همواره وی را به دیگران نشان می‌داد؛ اما ترسی همواره بر دل تاجر بود که مبادا او ترکش کند و به سراغ رفاقت با دیگران برود.

رفیق دوم تاجر خیلی قابل اعتماد و صبور بود. تاجر هرگاه با مشکلی روبه‌رو می‌شد به سراغ او می‌رفت و او هم به تاجر اعتماد به نفس می‌داد و موجب دلگرمی او می‌شد. رفیق اول تاجر، فردی بسیار وفادار بود. اما مرد تاجر به ندرت به او توجه می‌کرد و پاسخ محبت‌های بی‌دریغ او را می‌داد.

روزی، تاجر به شدت بیمار شد و دریافت که رفتنی است. زندگی مرفه و اشرافی خود را از جلوی چشمانش گذراند و با خود گفت: اگرچه در این دنیا چهار دوست صمیمی دارم؛ اما اگر بمیرم تنهای تنها خواهم شد.

از این‌رو، رفقایش را به نزد خود فراخواند. ابتدا رو به رفیق چهارم خود کرد و گفت: من در این دنیا بیش از حد تو را دوست داشتم و برای تو بهترین‌ها را فراهم کردم؛ حالا که من در حال مرگ هستم، آیا با من می‌آیی و مرا در این سفر همراهی می‌کنی؟

رفیق چهارم گفت: به هیچ‌وجه، و راه خود را گرفت و رفت. با دلی شکسته درخواستش را با رفیق سومش در میان گذاشت؛ اما او هم بلافاصله گفت: نه، نمی‌توانم. تصمیم دارم پس از مرگت با کس دیگری طرح رفاقت بریزم. تاجر رو به رفیق دومش کرد و مصرانه گفت: من هرگاه کمک خواسته‌ام، تو یاورم بوده‌ای. آیا این بار هم مرا یاری می‌کنی؟

رفیق دوم با ناراحتی گفت: این بار نمی‌توانم؛ اما برای تو هر هفته خیرات می‌دهم و طلب آمرزش می‌کنم.

حرف‌های رفیق دوم مانند صاعقه، قلب رنجور تاجر را درید و ویران کرد.
ناگاه ندایی شنید: من با تو می‌آیم، من تو را همراهی می‌کنم، هر جا که بروی با توام.
تاجر گریست؛ این صدای رفیق اولش بود که تکیده و رنجور در گوشه‌ای نشسته بود. تاجر با شرمساری دست نحیف او را گرفت و گفت: حالا می‌فهمم که باید در تمام این مدت، قدر تو را می‌دانستم و همه دارایی‌ام را به پای تو می‌گذاشتم.

این داستان واقعی زندگی همه ما انسان‌هاست:
رفیق چهارم ما، جسم ما است که همه چیز را برای زیبایی و تغذیه او صرف می‌کنیم؛ اما پس از مرگ، خیلی زود ما را ترک می‌کند.
رفیق سوممان، ثروت و اموال ماست. وقتی ما می‌میریم، بلافاصله به دیگران می‌رسد.
رفیق دوم ما، خانواده، فرزندان و دوستان ما هستند که به رغم نزدیکی و همراهی با ما در زمان حیات، پس از مرگ فقط تا قبر ما می‌توانند بیایند.
و رفیق اول ما، که ما آن را فراموش کرده‌ایم و در پی کسب ثروت و رفاه و لذایذ جسمانی، هیچ‌گاه به فکرش نبوده‌ایم و فقط اوست که ما را در این سفر، همراهی می‌کند. او کسی نیست جز...

فقط یک بار!

فقط یک بار به دنیا می‌آیی،
فقط یک بار خداوند زندگی را به تو هدیه می‌کند؛
اما، در سرائی دیگر همواره خواهی بود؛
اگر این فرصت یک‌باره را از دست دهی،
چه خواهی کرد؟

اندیشه و تحقیق

۱- آیا در مجازات آخرت که مجازات از نوع سوم است، ظلم، امکان‌پذیر و قابل تصور است؟ چرا؟

۲- چه تفاوت‌هایی میان ویژگی‌های آخرت با دنیا و برزخ وجود دارد؟ آن تفاوت‌ها را در جدولی مانند جدول زیر تنظیم کنید.

شماره	دنیا	برزخ	آخرت
۱
۲
۳
۴
۵

۳- رسول خدا ﷺ فرمود: «الْدُّنْيَا مَرْعَى الْآخِرَةِ».

یک کشاورز ماهر برای اینکه زراعت پر محصولی داشته باشد، پنج شرط را رعایت می‌کند:

۱- زمین مناسب انتخاب می‌کند.

۲- بذر سالم تهیه می‌کند.

۳- زمین را به موقع آبیاری و از کودهای مناسب استفاده می‌کند.

۴- زمین را از علف‌های هرز، پاک می‌کند.

۵- مواظب است که آفات و حیوانات به کشت او ضرر نرسانند.

اگر «دل» بهترین و مناسب‌ترین زمین برای کشت محصول آخرت است، چهار شرط دیگر

کدام‌اند؟

۱-

۲-

۳-

۴-

فرزند آخرت باش

حضرت علی علیه السلام :

آگاه باشید! دنیا به سرعت پشت کرده و از آن جز باقی مانده اندکی از ظرف آبی که آن را خالی کرده باشند، نمانده است. به هوش باشید که آخرت به سوی ما می آید.
دنیا و آخرت، هریک فرزندانی دارند. بکوشید از فرزندان آخرت باشید، نه دنیا. زیرا در روز قیامت هر فرزندی به پدر و مادر خویش باز می گردد. امروز هنگام عمل است نه حسابرسی و فردا روز حسابرسی است نه عمل.

نهج البلاغه، خطبه ۴۲

خدایا!

می‌دانم که بهترین توشهٔ مسافر کوی تو
عزم و اراده‌ای است که با آن خواستار تو شده باشد.^۱

امام کاظم علیه السلام

بخش دوم

قدم در راه



وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمُوتُ
 وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٢﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ
 وَالضَّرَّاءِ وَالْكُظُمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ
 وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٤﴾ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً
 أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ
 وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ
 يَعْلَمُونَ ﴿١٣٥﴾ أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتُ
 تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعَمَ أَجْرُ الْعَمَلِينَ
 ﴿١٣٦﴾ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا
 كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿١٣٧﴾ هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى
 وَمَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٨﴾ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ
 إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾ إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ
 مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ
 آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ
 ﴿١٤٠﴾ وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَحَقِّقَ الْكُفْرِينَ ﴿١٤١﴾

سورة آل عمران، آیات ۱۳۳ تا ۱۴۱

و بشتابید برای دست یافتن به آمرزشی از پروردگار خود و بهشتی که وسعتش [به قدر] آسمان‌ها و زمین است [که] برای پرهیزگاران آماده شده است. ۱۳۳

[همان] کسانی که در توانگری و تنگدستی اتفاق می‌کنند و خشم خود را فرومی‌برند و از [خطای] مردم درمی‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد. ۱۳۴

و [همان] کسانی که چون کار زشتی کنند یا بر خود ستم روا دارند خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد. و بر آنچه مرتکب شده‌اند، دانسته پافشاری نمی‌کنند. ۱۳۵

آنان پادانشان آمرزشی از جانب پروردگارشان و بوستان‌هایی است که از زیر [درختان] آن، جویبارها روان است؛ جاودانه در آن بمانند و پاداش اهل عمل [به دستورات الهی] چه نیکوست. ۱۳۶

قطعاً پیش از شما سنت‌هایی [بوده و] سپری شده است پس در زمین بگردید و بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است. ۱۳۷

این [قرآن] برای مردم بیانی و برای پرهیزگاران رهنمود و اندرزی است. ۱۳۸
و سستی نکنید و غمگین مشوید که شما برترید اگر مؤمن باشید. ۱۳۹

اگر به شما آسیبی رسیده آن قوم [دشمنان] را نیز آسیبی نظیر آن رسید و ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می‌گردانیم [تا مردم پند گیرند] و خداوند کسانی را که [واقعاً] ایمان آورده‌اند معلوم بدارد و از میان شما گواهانی بگیرد و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد. ۱۴۰

و تا خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند، خالص گرداند و کافران را نابود سازد. ۱۴۱

آهنک سفر

اکنون که با آینده انسان در جهان آخرت آشنا شدیم و دانستیم که سرنوشت ابدی انسان‌ها براساس اعمال آنان در دنیا تعیین می‌شود، لازم است تا در این دنیا قدم در مسیری بگذاریم که موفقیت آن حتمی باشد و سرانجام و آخرتی آباد را برای ما رقم بزند. از آنجا که هدف از خلقت انسان رسیدن به مقام قرب خداوند است پس در حقیقت، او مسیر و هدف اصلی زندگی ماست. هر کس این نکته را دریابد و زندگی خود را در مسیر این هدف قرار دهد، در دنیا زندگی لذت‌بخش و مطمئن و در آخرت رستگاری ابدی را به دست خواهد آورد.

البته برای رسیدن به چنین هدف بزرگ و برتری، لازم است برنامه‌ریزی کنیم تا قدم در راهی بگذاریم که سرانجامی این‌گونه زیبا داشته باشد و در راهی قرار نگیریم که خود را گرفتار آتش دوزخ کرده باشیم.

پس لازم است بدانیم :

برای آنکه در این برنامه‌ریزی موفق شویم، چه اقدامات و کارهایی باید انجام دهیم؟

برای گام گذاشتن در مسیر قرب الهی و همچنین برای ثابت قدم ماندن در این راه، شایسته است اقدامات زیر را انجام دهیم :

۱- تصمیم و عزم برای حرکت : عزم به معنای اراده و تصمیم بر انجام کاری است. آدمی با عزم خویش، آنچه را که انتخاب کرده است، عملی می‌سازد. البته عزم و ارادهٔ انسان‌ها متفاوت است. هر قدر عزم قوی‌تر باشد، رسیدن به هدف آسان‌تر است. استواری بر هدف، شکیبایی و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به آن هدف، از آثار عزم قوی است. کارهای بزرگ، عزم‌های بزرگ می‌خواهد. آنان که عزم ضعیفی دارند، در برابر تندباد حوادث، تاب نمی‌آورند و مشکلات راه، آنان را به عقب‌نشینی وادار می‌کند. اما آنان که عزم قوی دارند، سرنوشت را به دست حوادث نمی‌سپارند و با قدرت به سوی هدف قدم برمی‌دارند. به همین جهت بعد از سفارش‌هایی که لقمان حکیم به فرزندش می‌کند و راه و رسم زندگی را به او نشان می‌دهد، به وی می‌گوید :

بر آنچه (در این مسیر) به تو می‌رسد صبر کن

که این از عزم و ارادهٔ در کارهاست.^۱

وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا اَصَابَكَ

اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْر



❖ مقایسه

انسان‌هایی را که دارای عزم قوی هستند، با انسان‌هایی که عزم و ارادهٔ ضعیف دارند، مقایسه کنید و فرق آنها را با یکدیگر بنویسید.

دارای عزم قوی	دارای عزم ضعیف
۱.	۱.
۲.	۲.
۳.	۳.
۴.	۴.

۲- عهد بستن با خدا : کسی که راه رستگاری را که همان قرب به خداست، شناخته و می‌خواهد در این مسیر قدم بگذارد، با خدای خود پیمان می‌بندد که آنچه خداوند برای رسیدن به این

هدف مشخص کرده است، یعنی واجبات الهی را، انجام دهد و خداوند را خوشنود سازد؛ همچنین از انجام آنچه که ما را از این هدف دور می‌سازد، یعنی کارهای حرام، اجتناب کند.

چقدر زیباست که خداوند، راه رستگاری ما را قرین رضایت خود ساخته است؛ یعنی وقتی خدا از ما راضی خواهد بود که ما در مسیر رستگاری و خوشبختی خود گام برداریم؛ و آنگاه از ما ناخشنود خواهد بود که به خود ظلم کنیم و در مسیر هلاکت خود قدم گذاریم.

درباره عهد با خدا خوب است دو پیشنهاد زیر را انجام دهیم

اول: برای عهد بستن، بهترین زمان‌ها را انتخاب کنیم. بعد از نماز، شب‌های قدر و شب یا روز جمعه زمان‌های خوبی برای عهد بستن با خدا هستند.

دوم: عهد و پیمان خود را در زمان‌های معینی، مانند آخر هر هفته، آخر هر ماه یا شب قدر هر سال، تکرار کنیم تا استحکام بیشتر پیدا کند و به فراموشی سپرده نشود.

تدبیر

در ترجمه آیات زیر بیندیشید و براساس آن به سؤالات زیر پاسخ دهید.

۱- و هر کس که نسبت به عهدی که با خدا بسته وفا کند، به زودی پاداش عظیمی به او خواهد داد.

۲- کسانی که پیمان الهی و سوگندهای خود را به بهای ناحیزی می‌فروشند آنها بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت؛ و خداوند با آنها سخن نمی‌گوید و به آنان در قیامت نمی‌نگرد و آنها را (از گناه) پاک نمی‌سازد و عذاب دردناکی برای آنهاست.

آل عمران، ۷۷

۳- به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید تا من نیز به پیمان شما وفا کنم.

بقره، ۴۰

الف) آنان که در زندگی پیمان‌های خود با خدا را می‌شکنند به چه عاقبتی دچار می‌شوند؟

- | | |
|--------------------------------------------------------|----------|
| ۱- | ۲- |
| ۳- | ۴- |
| (ب) عمل به عهد و پیمان‌های خود با خدا، چه ثمراتی دارد؟ | |
| ۱- | ۲- |

۳- **مراقبت** : باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای بر عهد، رضایت خدا را در پی دارد و شکستن پیمان، شرمندگی در مقابل او را به دنبال می‌آورد؛ عهدي که ابتدا بسته می‌شود، مانند نوزادی است که باید از او «مراقبت» شود تا با عهدشکنی، آسیب نبیند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: **گذشت ایام، آفاتی در پی دارد و موجب از هم‌گیختگی تصمیم‌ها و کارها می‌شود.**^۱

به‌طور مثال، کسی عهد می‌بندد که هر روز پس از نماز صبح، یک صفحه قرآن بخواند؛ او باید مراقب باشد که کارهای دیگر، او را به خود مشغول نکند و این تصمیم خود را فراموش نکند و نیز عواملی را که سبب سستی در اجرای این تصمیم می‌شود، از سر راه بردارد.

✱ بررسی

چه عواملی می‌تواند مانع اجرای تصمیم شود؟ برخی از آنها را نام ببرید :

۱-

۲-

۳-

۴- **محاسبه و ارزیابی** : بعد از مراقبت، نوبت محاسبه است تا میزان موفقیت و وفاداری به عهد، به‌دست آید و عوامل موفقیت یا عدم موفقیت، شناخته شود. بعد از محاسبه اگر معلوم شود که در انجام عهد خود موفق بوده‌ایم، خوب است خدا را سپاس بگوییم و شکرگزار او باشیم؛ زیرا می‌دانیم که او بهترین پشتیبان ما در انجام پیمان‌هاست.

اما اگر معلوم شود که سستی ورزیده‌ایم، خود را سرزنش کنیم و مورد عتاب قرار دهیم و از خداوند طلب بخشش کنیم و با تصمیم قوی‌تر، دوباره با خداوند عهد ببندیم و وارد عمل شویم. یادمان باشد که یک حسابرسی بزرگ در قیامت در پیش داریم و اگر خودمان در اینجا به حساب خود نرسیم، در قیامت به‌طور جدی اعمال ما را محاسبه خواهند کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا

«به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند».^۲

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۶۲۶

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۹۹

بهتر است هر شب کارهای روز خود را ارزیابی کنیم و در پایان هفته نیز به حساب آن هفته، رسیدگی کنیم. همچنین، سالی یک بار برنامه سال خود را مرور کنیم؛ یکی از بهترین زمان‌های محاسبه سالانه، شب‌های قدر ماه مبارک رمضان است تا بتوانیم براساس آن، تصمیم‌های بهتری برای آینده بگیریم.

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرسیدند :

زیرک‌ترین انسان کیست؟

فرمود : کسی که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.

پرسیدند : چگونه؟

فرمود : چون صبح تا شب به کار و زندگی پرداخت، در شب به خود برگردد و بگوید :

ای نفس! امروز روزی بود که بر تو گذشت و دیگر باز نمی‌گردد. خدا درباره این روز از تو خواهد پرسید که آن را چگونه گذراندی و در آن چه کردی؟ آیا به یاد او و سپاس از او بودی؟ آیا گره از کار فرو بسته مؤمنی گشودی؟ آیا گرد غم از چهره‌ای زدودی؟ آیا ...؟^۱

تفکر در احادیث

در جدول زیر، سه سخن از امام علی علیه السلام آمده است. در این سخنان تأمل کنید و آثاری که آن حضرت برای محاسبه بیان فرموده است، استخراج کنید.

پیام	حدیث
.....	۱- مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ وَقَفَ عَلَى عَيْبِهِ و احاط بذنوبه و استقال الذنوب و اصلح العيوب
.....	۲- ثمرة المحاسبه صلاح النفس
.....	۳- من حاسب نفسه سعد

نامه‌ای برای نجات

در زمان حیات مرحوم علامه طباطبائی (ره)، نویسنده تفسیر المیزان، جوانی درباره مشکلات خود نامه‌ای به ایشان می‌نویسد و می‌گوید :

... جوانی هستم ۲۲ ساله؛ در محیط و شرایطی زندگی می‌کنم که هوای نفس و آمال بر من تسلط فراوان دارند و مرا اسیر خود ساخته‌اند و سبب بازماندن من از حرکت به سوی الله شده‌اند. درخواستی که از شما دارم این است که بفرمایید به چه اعمالی دست بزنم تا بر نفس مسلط شوم... نصیحت نمی‌خواهم، بلکه دستورات عملی برای پیروزی، لازم دارم.

علامه طباطبائی، به این جوان این‌گونه پاسخ می‌گویند :

برای موفق شدن و رسیدن به منظوری که مرقوم داشته‌اید، لازم است همتی برآورده و توبه نموده، به مراقبه و محاسبه پردازید. به این نحو که هر روز، طرف صبح که از خواب بیدار می‌شوید، قصد جدی کنید که هر عملی پیش آید، رضای خدا را مراعات خواهیم کرد... و همین حال را تا شب، وقت خواب ادامه دهید. وقت خواب، چهار - پنج دقیقه‌ای به کارهایی که در روز انجام داده‌اید، فکر کرده؛ یکی یکی از نظر بگذرانید، هر کدام مطابق رضای خدا انجام یافته، شکر کنید و هر کدام تخلف شده، استغفار کنید و این رویه را هر روز ادامه دهید. این روش اگرچه در بادی حال [ابتدای کار]، سخت و در ذائقه نفس تلخ می‌باشد، ولی کلید نجات و رستگاری است...^۱

پیامبر و اهل بیت ایشان، برترین اسوه‌ها

برای حرکت در مسیر هدف، وجود اسوه و الگوهایی که راه را با موفقیت طی کرده و به مقصد رسیده‌اند، بسیار ضروری است. زیرا وجود این الگوها، اولاً به ما ثابت می‌کند که این راه موفقیت‌آمیز است؛ ثانیاً می‌توان از تجربه آنان استفاده نمود و مانند آنان عمل کرد و از همه مهم‌تر اینکه می‌توان از آنان کمک گرفت و با دنباله‌روی از آنان سریع‌تر به هدف رسید. از این رو قرآن کریم، پیامبر ﷺ را به عنوان الگو معرفی می‌کند و می‌فرماید :

«رسول خدا برای شما نیکوترین اسوه است».^۲

۱- نامه‌های عرفانی، علی محمدی، ص ۱۸۷

۲- سورة احزاب، ۲۱

و پیامبر نیز همواره از اهل بیت به عنوان انسان‌هایی برتر که مسیر زندگی را با موفقیت پیموده‌اند و پیروی از آنان موجب رستگاری و نجات انسان می‌شود، یاد کرده و ما را به الگو گرفتن از آنان دعوت کرده است.

■ ممکن است این سؤال به ذهن بیاید که چگونه می‌شود انسان‌های بزرگی را که حدود ۱۴۰۰ سال قبل زندگی کرده‌اند، اسوه قرار داد؟

پاسخ این است که اسوه بودن آن بزرگان مربوط به اموری که به طور طبیعی و با تحولات صنعتی تغییر می‌کنند، نیست. وسایل حمل و نقل، وسایل خانه، امکانات شهری، شکل و جنس پارچه‌ها و لباس‌ها از این قبیل‌اند.

اسوه بودن در اموری است که همواره برای بشر خوب و با ارزش بوده‌اند. عدالت، گذشت، فداکاری، مهربانی، داشتن نظم و برنامه در زندگی و... از ارزش‌هایی است که همواره مورد احترام بشر بوده است و با گذشت زمان، حتی درک بهتری از آنها نیز به دست آمده است.

به طور مثال، امام حسین (علیه السلام) از پدر گرامی خود نقل می‌کند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در منزل، اوقات خود را سه قسمت می‌کرد. قسمتی برای عبادت، قسمتی برای اهل خانه و قسمتی برای رسیدگی به کارهای شخصی. سپس آن قسمتی را که به خود اختصاص داده بود، میان خود و مردم تقسیم می‌کرد و مردم را به حضور می‌پذیرفت و به کارهایشان رسیدگی می‌کرد.^۱

برنامه‌ریزی و تقسیم زمان، درس و الگویی همیشگی است که از این حدیث به دست می‌آید.

■ همچنین ممکن است این سؤال پیش آید که پیامبر یک انسان معصوم است؛ چگونه می‌توان ایشان را اسوه قرار داد و مثل او عمل کرد؟

پاسخ این است که ما او را اسوه کامل خود قرار می‌دهیم؛ چون می‌دانیم که هر کاری که انجام داده، درست بوده و مطابق دستور خداوند بوده است. اما اسوه قرار دادن ایشان به این معنا نیست که ما عین او باشیم و در همان حد عمل کنیم، بلکه بدین معناست که در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به راه و روش ایشان نزدیک‌تر کنیم.

امیرالمؤمنین درباره چگونگی پیروی از ایشان می‌فرماید :

آگاه باش برای هر پیروی‌کننده‌ای، امام و پیشوایی است که باید از او تبعیت کند و از علم او کسب نور کند. هشیار باش، امام شما از دنیایش به دو لباس کهنه و از خوراکش به دو قرص نان کفایت کرده است. اما شما قطعاً توانایی این قناعت را ندارید؛ ولی با پرهیزکاری و کوشش [در راه خدا] و عفت و درستکاری مرا یاری کنید.^۲

۱- نگاهی دوباره به سیمای پیامبر، ص ۳۴

۲- نهج البلاغه، نامه ۴۵

دفتر برنامه‌ریزی

یک دفتر شخصی تهیه کنید و برنامه‌های زندگی خود را به‌طور منظم در آن یادداشت نمایید.
این دفتر می‌تواند شامل دو قسمت باشد :

۱- عهدهای کلی و اساسی که برای تمام زندگی بسته می‌شود. ۲- برنامه‌ها و عهدهای روزانه یا هفتگی.

بهتر است هر یک از این دو قسمت دارای بخش‌های معین باشد که بتوانید به راحتی آنها را پیگیری کنید و در آن اصلاحات لازم را به‌عمل آورید. به‌طور مثال، برای برنامه‌های روزانه یا هفتگی می‌توانید مانند جدول عمل کنید.

مورد عهد :				تاریخ :
مراقبت : نکاتی که در طول عمل به این عهد، باید رعایت کنیم :				
۱-				
۲-				
محاسبه :				
زمان	میزان موفقیت	عوامل موفقیت	عوامل شکست	راه‌های کسب موفقیت بیشتر

اگر در مسیر زندگی، سؤال‌هایی در زمینه‌های مختلف برای ما پیش آمد، به کسانی که توانایی پاسخ‌گویی دارند، مانند دبیران دینی و قرآن، امام جماعت محل و مراکز مطمئن علمی مراجعه کنیم و سؤال خود را با آنها در میان بگذاریم.

برخی از این مراکز علمی عبارت‌اند از :

۱- اداره مشاوره و پاسخ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

Porseman.org

۲- مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان www.Tebyan.net

۳- پایگاه اینترنتی حوزه www.hawzeh.net

۴- پایگاه جامع پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات دینی www.eporsesh.com

۵- مرکز فرهنگ و معارف قرآن www.Porsemanequran.com

۶- واحد پاسخ‌گویی به سؤالات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

www.Pasokhgoo.ir

۷- مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم

www.andisheqom.com

۸- پاسخ به سؤالات شرعی بانوان www.behdokht.ir

۹- www.Islamquest.net

۱۰- www.erfan.ir

۱۱- www.Javab.ir

اندیشه و تحقیق

۱- برای ثابت قدم ماندن در مسیر قرب به خداوند چه اقداماتی لازم است؟

۲- مقصود از اینکه رسول خدا ﷺ برای مسلمانان اسوه است، چیست؟



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ
 إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا
 وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ ۚ وَاللَّهُ
 يُحْيِي وَيُمِيتُ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١٥٦﴾ وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي
 سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ
 ﴿١٥٧﴾ وَلَئِنْ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ ﴿١٥٨﴾ فَبِمَا رَحْمَةٍ
 مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا
 مِنْ حَوْلِكَ ۚ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ
 فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾
 إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ ۚ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي
 يَنْصُرْكُم مِّنْ بَعْدِهِ ۚ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦٠﴾ وَمَا كَانَ
 لِنَبِيِّ أَنْ يَعْلَلْ مِّنْ يَعْلَلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۚ ثُمَّ تُوَفَّى
 كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦١﴾ أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ
 كَمَن بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَا لَهُ جَهَنَّمَ ۚ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ
 ﴿١٦٢﴾ هُمْ دَرَجَتٌ عِنْدَ اللَّهِ ۚ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٣﴾

سورة آل عمران، آیات ۱۵۶ تا ۱۶۳

ای کسانی که ایمان آورده اید، همچون کسانی نباشید که کفر ورزیدند، و به برادرانشان هنگامی که به سفر رفته [و در سفر مُردند] و یا جهاد کردند [و شهید شدند] گفتند: اگر نزد ما [مانده] بودند، نمی مردند و کشته نمی شدند. [شما چنین سخنانی نگوئید] تا خدا آن را در دل هایشان حسرتی قرار دهد. و خدا زنده می کند و می میراند و خدا به آنچه می کنید، بیناست. ۱۵۶

اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، قطعاً آمرزش خدا و رحمت او از آنچه جمع می کنند، بهتر است. ۱۵۷

و اگر بمیرید یا کشته شوید قطعاً به سوی خدا گرد آورده خواهید شد. ۱۵۸

پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرمخو [و پر مهر] شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس از آنان در گذر و برایشان آمرزش بخواه و در کار [ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد. ۱۵۹

اگر خدا شما را یاری کند هیچ کس بر شما غالب نخواهد شد و اگر دست از یاری شما بردارد چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد کرد و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند. ۱۶۰

و هیچ پیامبری را سزاوار نیست که خیانت کند و هر کس خیانت کند روز قیامت با آنچه در آن خیانت کرده بیاید، آنگاه به هر کس [پاداش] آنچه کسب کرده به تمامی داده می شود و بر آنان ستم نمی شود. ۱۶۱

آیا کسی که خشنودی خدا را پیروی می کند چون کسی است که به خشمی از خدا دچار گردیده و جایگاهش جهنم است و چه بد بازگشتگاهی است. ۱۶۲

[هر یک از] ایشان را نزد خداوند در جاتی است و خدا به آنچه می کنند بیناست. ۱۶۳

اعتماد بر او

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ

آیا خدا برای بنده‌اش کافی نیست؟!

زُمر، ۳۶

اکنون که با آینده انسان در جهان آخرت آشنا شدیم و دانستیم که سرنوشت ابدی انسان‌ها براساس رفتار آنان در دنیا تعیین می‌شود، لازم است باردیگر با خدای خود «تجدید عهد» کنیم و عزم نماییم تا راه زندگی را محکم‌تر و مطمئن‌تر از گذشته، همان‌گونه که خدا از ما خواسته است، بپیماییم. در این درس، با یکی از عواملی که سبب تقویت اراده و عزم می‌شود آشنا می‌شویم.

حقیقت توکل بر خدا

توکل بر خدا به معنای اعتماد به خداوند است؛ یعنی انجام وظیفه خود در هر کار و سپردن نتیجه و محصول آن به خداوند. انسان متوکل خداوند را تکیه‌گاه مطمئن خود می‌یابد و در عین عمل به وظایف، امورش را به او واگذار می‌کند و خود را تحت حمایت خداوند قرار می‌دهد.

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ

آن کس که در راه حق به خدا توکل کند،

فَهُوَ حَسْبُهُ

خداوند او را بس است،

إِنَّ اللَّهَ بِالْغُ أَمْرِهِ

خداوند امر خویش را به سرانجام می‌رساند.

طلاق، ۳

انسان متوکل می‌داند که در صورت انجام وظیفه، هر نتیجه‌ای که به دست آید، به مصلحت اوست، گرچه خود به آن مصلحت آگاه نباشد؛ زیرا خداوند آینده‌ای را می‌بیند که ما نمی‌بینیم و به مصلحت‌هایی توجه دارد که ما درک نمی‌کنیم. گاهی چیزهایی را به نفع خود می‌پنداریم درحالی که به ضرر ماست با اموری را به ضرر خود می‌دانیم درحالی که به نفع ماست.

وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ

بقره، ۲۱۶

در این مواقع است که خدایی که از هر کس به بندگانش مهربان‌تر است، آن چیزی را برای انسان متوکل رقم می‌زند که خیر و صلاح او در آن باشد.

امام علی (علیه السلام) در یکی از دعاها می‌گوید:

«خداوند! تو با آنان که به تو بیشتر عشق می‌ورزند، بیش از دیگران انس می‌گیری و برای اصلاح

کار آنان که بر تو توکل می‌کنند از خودشان آماده‌تری، اسرار ایشان را می‌دانی و بر اندیشه‌هایشان آگاهی.»

ایشان در ادامه می‌فرماید:

«اگر تنهایی، آنان را به وحشت اندازد، یاد تو آنان را آرام سازد و اگر مصیبت‌ها بر آنان فرو بارد،

به تو پناه آورند و روی به درگاه تو دارند، چون می‌دانند سر رشته کارها به دست توست»^۱.

با توجه به آیه زیر بگویید چرا بر غیر خدا نمی‌توان توکل کرد؟

قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ، هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ، قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ، عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ

«بگو چه می‌پندارید درباره آنچه جز خدا می‌خوانید؟ اگر خدا خواهد که به من زیانی رسد، آیا آنان دورکننده‌گردند او هستند؟ یا اگر رحمتی برای من خواهد، آیا آنان بازدارنده‌رحمت او هستند؟ بگو خدا برای من کافی است و توکل کنندگان بر او توکل می‌کنند»^۱.

شرایط توکل حقیقی

۱- توکل کردن فقط به معنای گفتن جمله «خدا یا، بر تو توکل می‌کنم» نیست. بلکه انسان باید در قلب خود بر خدا توکل کند و واقعاً او را تکیه‌گاه خود ببیند. اگر این‌گونه باشیم، خداوند کارهای ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد و آن چیزی را که حقیقتاً به نفع ما است پیش خواهد آورد.

امام صادق علیه السلام فرمود: **خداوند به داود علیه السلام وحی کرد هر بنده‌ای از بندگانم به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آورد، از کارش چاره‌جویی می‌کنم، گرچه همه آسمان‌ها و زمین و هر چه در آنها است، علیه او برخیزند**^۲.

۲- توکل در جایی درست است که انسان مسئولیت و وظیفه خود را به خوبی انجام دهد، یعنی فکر و اندیشه خود را به کار گیرد، با دیگران مشورت کند، بهترین راه ممکن را انتخاب نماید و با عزم و اراده محکم برای رسیدن به مقصود تلاش کند. در این صورت است که می‌توان بر خدا توکل کرد. زیرا توکل، جانشین تبلی و ندانم‌کاری افراد نیست بلکه کمک‌کننده و امیددهنده به کسی است که اهل همت، تعقل و پشتکار است.

۱- سوره زمر، ۳۸

۲- مشکاة الانوار، ج ۱، ص ۱۹

روزی، پیامبر اکرم ﷺ به مردمی برخورد که اهل کار و فعالیت نبودند. به آنان فرمود :

شما چگونه مردمی هستید؟

گفتند : ما توکل کنندگان بر خدا هستیم.

ایشان فرمود : نه، بلکه شما سربار دیگران هستید.^۱

گر توکل می کنی در کار کن کشت کن پس تکیه بر جبار کن^۲

توکل کننده ای که اهل معرفت باشد، می داند که انسان باید در راستای راهیابی به نیازها و خواسته هایش، از ابزار و اسباب بهره جوید؛ زیرا این ابزار و اسباب، بنابر حکمت الهی قرار داده شده و بی توجهی به آنها، بی توجهی به حکمت و علم الهی است.

فعالیت کلاسی

شخصی دلیل بیمه نکردن ماشین خود را این گونه بیان می کند که من به خدا توکل دارم و خداوند خودش مال مرا حفظ خواهد کرد. شما عمل او را تأیید می کنید یا خیر؟ چرا؟

تصمیم و توکل

نوجوانی و جوانی، دوران تصمیم های بزرگ و سرنوشت ساز است. هرچه عمر می گذرد و قوای انسان به سستی می گراید، توان انسان برای تصمیم های بزرگ نیز کاهش می یابد. جوان و نوجوان معمولاً شجاعت روحی بالایی دارد و دست و پای وجودش چندان به رشته های دنیایی بسته نشده است؛ مانند برخی بزرگسالان نیست که به ثروت یا مقام دل بسته باشد یا در حسادت نسبت به دیگری بسوزد یا در فکر تجمعات زندگی باشد. او می تواند آرمان های بزرگ داشته باشد، آرمان هایی که از نوع پروازند، از نوع رفتن و صعود کردن، نه از نوع ماندن و در باتلاق زندگی دنیایی فرو رفتن. از این رو، در این دوره نیاز شدیدتری به توکل و اعتماد بر خداوند حس می شود.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۱۷.

۲- منتهی موله

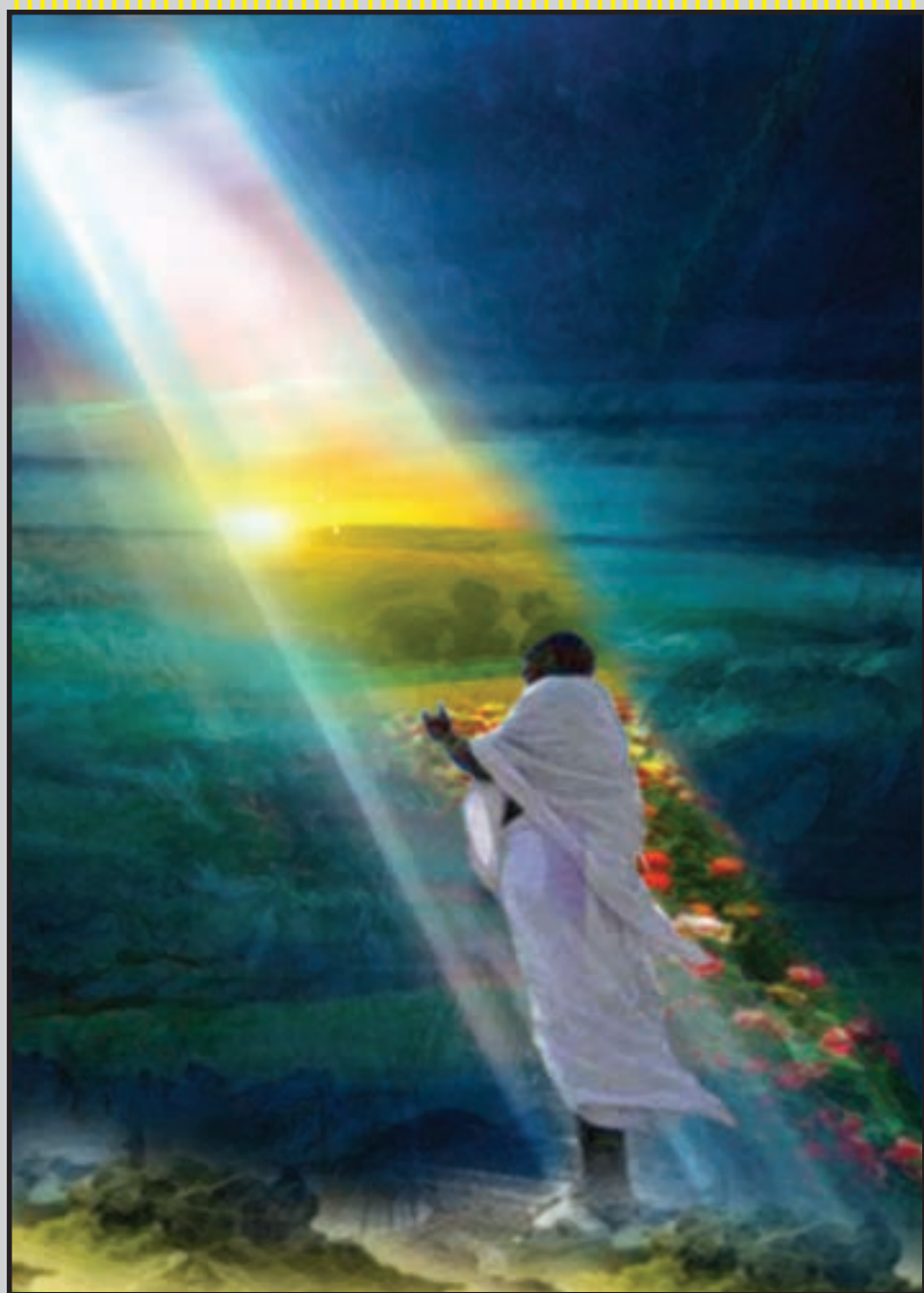
برخی می‌گویند دورهٔ نوجوانی و جوانی دورهٔ خطر (ریسک) کردن است. چه تفاوتی میان «خطر کردن» و «توکل بر خدا» وجود دارد؟

اندیشه و تحقیق

- ۱- با توجه به آیات، روایات و توضیحات درس، آثار و فواید توکل را ذکر کنید.
- ۲- آیا توکل، سبب تنبلی می‌شود یا تحرک؟ چرا؟
- ۳- شرایط توکل حقیقی کدام‌اند؟

پیشنهاد

- ۱- مولوی در دفتر اول مثنوی در «قصهٔ نخجیران و بیان توکل و ترک جهد» رابطهٔ توکل و تلاش را به خوبی به تصویر می‌کشد و در ضمن آن می‌گوید:
گفت پیغمبر به آواز بلند با توکل زانوی اشتر بیند
این داستان را مطالعه کنید و آن را برای دوستان در کلاس بیان کنید.
- ۲- آیا می‌دانید شیطان بر چه کسانی مسلط نمی‌شود؟ آیهٔ ۹۹ سورهٔ نحل را مطالعه کنید و جواب را بنویسید.



إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
 وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرَى فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ
 مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ
 فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ
 بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦٤﴾ وَمِنَ النَّاسِ
 مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ
 وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا
 إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ
 ﴿١٦٥﴾ إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ
 وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ﴿١٦٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا
 كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ
 أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿١٦٧﴾
 يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا
 خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿١٦٨﴾ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ
 بِالسَّوِّ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٦٩﴾

به راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا روانند [و] موجب سود مردمند و [همچنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و با آن زمین را پس از مردنش زنده گردانیده و در آن هر گونه جنبنده‌ای پراکنده کرده و [نیز در] گردانیدن بادها و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است برای گروهی که می‌اندیشند واقعاً نشانه‌هایی [گویا] وجود دارد. ۱۶۴

و برخی از مردم در کنار خدا همانندهایی [برای او] برمی‌گزینند و آنها را چون دوستی خدا دوست می‌دارند ولی کسانی که ایمان آورده‌اند به خدا محبت بیشتری دارند. [و کاش] کسانی که ستم نموده‌اند هنگامی که عذاب را مشاهده کنند می‌دانستند تمام نیرو[ها] از آن خداست و خدا سخت کیفر است. ۱۶۵

آنگاه که پیشوایان از پیروان بیزاری جویند و عذاب را مشاهده کنند و میانشان بیوندها بریده گردد. ۱۶۶

و پیروان می‌گویند کاش برای ما بازگشتی بود تا همان گونه که [آنان] از ما بیزاری جستند [ما نیز] از آنان بیزاری می‌جستیم. این گونه خداوند کارهایشان را که بر آنان مایه حسرت‌هاست به ایشان می‌نمایاند و از آتش بیرون آمدنی نیستند. ۱۶۷

ای مردم از آنچه در زمین است حلال پاکیزه را بخورید و از گام‌های شیطان بی‌روی نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است. ۱۶۸

[او] شما را فقط به بدی و زشتی فرمان می‌دهد و [او می‌دارد] تا علیه خدا چیزی را بگویید که بدان آگاه نیستید. ۱۶۹

دوستی با خدا

«بارالها! خوب می‌دانم هر کس لذت دوستی‌ات را چشیده باشد، غیر تو را اختیار نکند و آن کس با تو انس گیرد، لحظه‌ای از تو روی گردان نشود، بارالها! ای آرمان دل مشتاقان و ای نهایت آرزوی عاشقان! دوست داشتنت را از خودت خواهانم.»

به راستی دوستی با خدا چه آثاری دارد که پیشوایان دین و پیروان ایشان مشتاق آن بوده‌اند؟ چگونه می‌توان دل را به این آذین آراست؟